

برآمدن مطالبات اقتصادی، یک نظریه زمینه‌ای از مطالبات اقتصادی زنان شهر یزد

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2024.58500.1757 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

نگین نعیمی^۱
سیدعلیرضا افشانی^{۲*}
علی روحانی^۳
عباس عسکری^۴

چکیده

مفهوم مطالبه‌گری حقوق شهروندی از مفاهیمی است که در دنیای مدرن، توجه شهروندان و دولت را به خود معطوف ساخته است. پیش از این چنین مفاهیمی برای ملت ناشناخته بود، ولی امروزه شهروندان آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی خود کسب نموده‌اند. از آنجایی که مطالبه‌گری اغلب خصیصه جوامع مدرن تلقی می‌شود، پرداختن به وضعیت مطالبه‌گری در بستری سنتی-مذهبی ضروری به نظر می‌رسد. لذا پژوهش حاضر با هدف شناخت مطالبات اقتصادی زنان و وضعیت مطالبه‌گری آن‌ها در بستر شهر یزد انجام شده است. با راهبرد نظریه زمینه‌ای و با استفاده از نمونه‌گیری نظری و هدفمند ۱۳ نفر از زنان برای مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انتخاب شدند و فرایند نمونه‌گیری تا مرحله اشباع کامل اطلاعات ادامه یافت. داده‌های به دست آمده پس از تبدیل به متن با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در مجموع ۱۲ مقوله اصلی بر ساخت شده است. مقولات برآمده شامل برهمکنش حقوق و تکالیف دولت/ملت، دغدغه‌های اقتصادی فراگیر، گذشت‌های مادی، کنش‌های مطالبه‌گرانه پیشینی، نارضایتی از کارکردهای اقتصادی - سیاسی، کاهش تاب‌آوری اقتصادی، برآمدن مطالبات اقتصادی، مطالبه‌گری اقتصادی، کنش‌های اقتصادی معطوف به خود-معطوف به دیگری، تحقق/انباشت مطالبات اقتصادی، پیامدهای سیاسی-اعتقادی و پیامدهای روانی تحقق/عدم تحقق مطالبات و ... است که نتایج حاصل از آن در قالب مدل پارادایمی و نظریه تجربی ارائه شد. نتایج کلی نشان می‌دهد که شهروندان در مواجهه با پدیده مرکزی «برآمدن مطالبات اقتصادی» با راهبردهای مختلفی اعم از مطالبه‌گری اقتصادی درصدد تحقق آن برآمده و یا با گریز از مطالبه‌گری از مطالبات خود می‌گذرند. همچنین، پیامدهای تحقق یا عدم تحقق مطالبات، در سطوح اجتماعی، سیاسی-اعتقادی و روانی نیز ارائه شده است که توجه سیاست‌گذاران در این زمینه ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، مطالبه‌گری، مطالبات اقتصادی، شهروندان، نظریه زمینه‌ای

negin.naimi1373@gmail.com

afshanalireza@yazd.ac.ir

aliruhani@yazd.ac.ir

aaskarin@yazd.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۲. استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۴. دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

مقدمه

مطالبه به معنای خواسته‌ای است آگاهانه و برآمده از نیاز یا نیازهایی، که از سوی افراد جامعه در قبال خود، خانواده و جامعه درخواست می‌شود. به بیان ترنر، انسان‌ها دارای نیازهای بنیادینی هستند که به منظور ارضای نیازها و مطالباتشان با یکدیگر تعاملات چهره به چهره برقرار می‌کنند (سیدمن، ۱۳۹۵: ۱۲۱). مارشال نیز برای همه اعضای جامعه از منزلتی اجتماعی نام می‌برد که از طریق حقوق شهروندی در سه بعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی - رفاهی قابل دستیابی است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

مطالبه‌گری مشخصه اصلی شهروندان آگاه از حقوق‌شان هست که مدعیان برخورداری از منابع کمیاب جامعه‌شان هستند (زارعیان و اردلانی، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۰۲). بنابراین، مطالبه‌گری ریشه در حقوق و وظایف اجتماعی دارد. افراد جامعه در قبال عمل به وظایف‌شان انتظار دارند دولت نیز حقوق شهروندی‌شان را به رسمیت شناخته و به وظایف خود عمل کند (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴).

انسان‌ها در جامعه زندگی می‌کنند و این زندگی جمعی، حقوق و وظایفی را به دنبال دارد که مطالبه‌گری اجتماعی نشان‌دهنده تلاش افراد برای دستیابی به خواسته‌ها، اهداف و حقوق شهروندی است. شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های دموکراسی محسوب می‌شود که بر حسب تجارب، حکومت‌های دموکراتیک بیش از سایر اشکال نظام سیاسی قادر به تامین رفاه مالی، رشد فکری و رضایت اعضای خود هستند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۹). مطالبه‌گری با نظارت بر مسئولین و مقامات و واداشتن آن‌ها به پاسخگویی، امکان کارشکنی، عدم تمکین از قانون، سوءاستفاده از قدرت را از آن‌ها سلب می‌کند (بیرانوند، ۱۳۹۹: ۹). در واقع، گاهی شهروندان از حقوق خودشان آگاه نبوده و یا در صورت آگاهی از حقوق‌شان، فرصتی برای مطالبه‌گری پیدا نمی‌کنند. اما گاهی مطالبات با راهبردهای مختلف مطرح شده ولی بدون پاسخ می‌ماند و حتی از این فراتر، گاهی شهروندان مطالبه‌گر سرکوب می‌شوند که چنین فرایندی به نظر می‌رسد در جهان سوم و حکومت‌های تمامیت‌خواه و دیکتاتور، بیشتر از حکومت‌های دموکراتیک قابل ردیابی است.

در سال‌های اخیر با نگاهی به تورم و گرانی و کاهش قدرت خرید مردم، افزایش شکاف طبقاتی، و افزایش آگاهی مردم از حقوق شهروندی، انواع حرکت‌های اعتراضی از سوی مردم ایران و حتی شهروندان یزدی شکل گرفته است. اعتراض‌های مالباختگان، معلمان، بازنشستگان، کارگران، کامیون‌داران و سایر اقشار جامعه که روز به روز سفره نان‌شان کوچک و کوچک‌تر می‌شود، در سال‌های اخیر بویژه از سال ۱۳۹۰ تاکنون به گونه‌ای پیاپی تکرار شده است. به

عنوان مثال، یکی از اعتراضات صنفی که در سال ۱۳۹۶ بدون رهبری و سازماندهی به واسطه فراخوان «نه به گرانی» در شبکه‌های مجازی، ابتدا در شهر مشهد و سپس سایر استان‌ها و شهرها شکل گرفت، به تدریج با ماهیتی اقتصادی علیه تورم، فساد اقتصادی و بیکاری به ۱۶۰ شهر ایران گسترش یافت. از حرکت‌های دیگر می‌توان اعتراض به گرانی بنزین در آبان ۱۳۹۸ را نام برد که پس از آن نیز جنبش‌هایی شکل گرفت که مواضع فرهنگی و اجتماعی داشت و حتی به تدریج مضمون سیاسی به خود گرفت و مشارکت‌کنندگان خواهان حقوقی مثل آزادی بیان، عدالت، برابری، دموکراسی، آزادی پوشش و نظایر این‌ها بودند (سردارنیا و البرزی، ۱۴۰۰: ۱۰۵-۱۰۶). اما مطالبه‌گری و حجم‌کنش‌های اعتراضی شهروندان یزدی در مقایسه با شهرهای دیگر پایین‌تر به نظر می‌رسید. اینکه چه شرایط و بسترهایی در بروز تفاوت در فراوانی و کیفیت راهبردهای مطالبه‌گری نقش داشته، نیز قابل تامل است.

در این میان، جنبش‌های زنان با افت و خیزهای فراوان سابقه‌ای بیش از یک سده دارد که ضمن تأثیرپذیری از شرایط داخلی، از جنبش‌های دنیای غرب نیز بی‌تأثیر نبوده است (متقی و روشنایی، ۱۳۹۰: ۲۶). افزایش حضور فعال زنان در جامعه و اشتغال آن‌ها و نقش آنان در جنبش‌های اجتماعی و مسائل اقتصادی در دوران قاجار تا مشروطه مثل شورش نان، امتیاز رژی، جنبش بابیه، و حتی حضور زنان در اعتراضات اخیر و مقاومت و نافرمانی مدنی آنان نشان می‌دهد زنان به‌رغم شرایط تبعیض‌آمیز حاکم و مرتبط با خواست قدرت، برای دستیابی به مطالبات خود تلاش قابل توجهی داشته‌اند (حسن‌نیا و ناظم، ۱۳۹۲: ۲۳۰). اما تلاش دولت‌ها و حتی دولت ایران به‌رغم دفاع از حقوق زنان، در منفعل نگه داشتن و همسو کردن آنان با خود بوده است و درمقابل تلاش زنان در یک صد سال گذشته برای مقاومت بر علیه محدودیت‌ها و نابرابری‌های احساس شده و تحقق مطالبات‌شان در عرصه‌های گوناگون بوده است (متقی و روشنایی، ۱۳۹۰: ۲۵). با این وجود کم‌توجهی به خواسته‌های زنان به دلایل گوناگون و نیز نگاهی به آمارهای موجود در زمینه رفاه اجتماعی، تسهیلات، میزان حضور در عرصه‌های اجتماعی و مدیریتی و نظایر این‌ها، پرداختن به مطالبات زنان را ضروری ساخته است (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۶).

پس می‌توان گفت فقدان گفت‌وگو و تفکر انتقادی در رابطه با موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یکی از آفت‌های اجتماعی است که به ایجاد نظام‌های دیکتاتوری و اعمال سلطه منجر می‌شود (آبروشن، ۱۳۹۶). پرسشگری اجتماعی و دغدغه مطالبه‌گری جهت احقاق حقوق شهروندی و مدنی به معنای سکوت در برابر نابسامانی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی و یا اعمال خشونت برای تحقق مطالبات نیست. بلکه با کنشگری هدفمند، منطقی و دموکراتیک در بستر نظام اجتماعی و سیاسی حاکم می‌توان با واداشتن مسئولین و نهادهای ذی‌ربط به پاسخگویی و شفاف‌سازی، به اصلاح و حل مسائل و تحقق مطالبات شهروندی کمک نمود.

ضعف شهروندی، مطالبه‌گری و مصداق‌های آن تاکنون جوامع را با چالش‌ها و بحران‌های مختلفی نظیر نابودی محیط‌زیست، فساد، اختلاس، رانت‌بازی، بزهکاری و سایر آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مواجه ساخته است (بهرامی، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۸). درحالی‌که تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است که مطالبه‌گری اجتماعی شهروندان و نخبگان جامعه نقش مهمی در به قدرت رسیدن مسئولین توانمند، پاسخگو و فعالیت در مسیر کارآموزی و قانونمندی داشته و توسعه و پیشرفت در ابعاد گوناگون را نیز به دنبال داشته است (تابناک، ۱۳۹۴).

با نگاهی به بسترهای اجتماعی- فرهنگی شهر یزد می‌توان مصادیق سنت و مدرنیته را در کنار هم مشاهده نمود که ممکن است در مطالبات و مطالبه‌گری دو نسل والدین و فرزندان تفاوت‌هایی ایجاد کند. علاوه بر این، نمی‌توان از افزایش مسائلی چون کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی و کاهش مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی غافل بود. چراکه افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی و کاهش مشارکت‌های سیاسی- اجتماعی، می‌تواند معانی مختلفی را در مورد وضعیت مطالبه‌گری بازنمایی کند. به عنوان مثال، مشارکت ضعیف در انتخابات می‌تواند واکنشی به عدم تایید عملکرد دولت در نزد شهروندان ناراضی باشد. آیا مشارکت نه چندان مطلوب (۴۱ درصد) شهروندان در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه ۱۴۰۲ و مقام دوم یزد در آراء باطله (۲۹ هزار و ۳۰۳ رای باطله) را می‌توان مصداقی در تایید نارضایتی شهروندان از شرایط موجود، بویژه شرایط اقتصادی نابسامان، دانست؟ آیا می‌توان این مشارکت سیاسی ضعیف را نوعی مطالبه‌گری تلقی کرد؟

کمالینکه در اغلب دوره‌های خانوادگی و دوستانه، در هنگام خرید اقلام ضروری، در هنگام ناتوانی در تامین نیازهای اساسی نظیر بهداشت، مسکن و غیره، شهروندان به جای مطالبه‌گری، خود را فاقد قدرت، در تغییر شرایط موجود تصور می‌کنند و این را با غر زدن نشان می‌دهند و از مطالبه‌گری به معنای واقعی آن خودداری می‌کنند. مطالبه‌گری فرآیندی است درون گفتمانی از سوی آحاد ملت که با رویکردی وظیفه‌محور، برای مقابله با خطاها یا بازتولید شرایط بهتر، احقاق حقوق شرعی و قانونی و پیگیری مستمر و پایدار آن‌ها از طریق نظارت بر فعالیت‌های مسئولین و نهادها انجام می‌گیرد (ترابی، ۱۳۹۹). از این‌رو، مطالبه‌گری که صرفاً با غر زدن، بدون هیچ تلاش، راهکار یا پیشنهادی در جهت تحقق مطالبات، بیان شود، مطالبه‌گری ضعیفی به نظر می‌رسد.

با نظر به تحولات پرشتاب اجتماعی و تغییرات سریع فرهنگی کمتر می‌توان ادعا داشت که همانند گذشته، فرزندان هم‌چون والدین‌شان فکر و رفتار کنند. امروزه، جوانان کمتر ارزش‌ها و هنجارهای سنتی جامعه ایران را مطلوب تلقی می‌کنند و به دلیل ناهمگونی‌های فرهنگ سنتی و جهانی، فرهنگ جوانان عرصه‌ی منازعه بین این دو فرهنگ محسوب می‌شود (ذکایی و پورغلام

آرانی، ۱۳۸۴: ۲). گاهی این تفاوت‌های نسلی به بروز اختلاف بین والدین و فرزندان‌شان و حتی خشونت‌های کلامی و فیزیکی بین آن‌ها منجر می‌شود. بنابراین، مسئله شکاف یا فاصله نسلی علاوه بر دغدغه والدین و مسائل فرزندان، یکی از موضوعات مهمی است که اندیشمندان نیز به آن پرداخته‌اند.

بویژه اینکه پژوهش‌ها، بیشتر در زمینه حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی و مطالبات، احساس برخورداری و رضایت از رعایت حقوق شهروندی انجام شده است. البته تعدادی از پژوهشگران اعم از جلیل مطلق (۱۴۰۱)، میرحسینی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی وضعیت مطالبه‌گری در میان گروه معینی از شهروندان و رابطه آن با شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی پرداخته‌اند. سایر تحقیقات با پرداختن به وضعیت مطالبه مهریه، جنبش‌های اجتماعی، مشارکت یا بی‌تفاوتی اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم اطلاعاتی در مورد وضعیت مطالبه‌گری و لوازم تحقق آن بدست می‌دهند. حتی در تحقیقات لاتین نیز چندان به مطالبه‌گری اجتماعی توجه نشده و بیشتر به مشارکت، حقوق شهروندی و نظایر این‌ها پرداخته شده است. البته برخی تحقیقات از نگاه فلسفی، اخلاقی و حقوقی به مطالبه‌گری پرداخته و برخی به مطالبه‌گری والدین از فرزندان و پیامدهای آن پرداخته‌اند. حتی در مورد میزان مطالبه‌گری، افزایش یا کاهش آن در طول زمان نیز تحقیقات مشخصی انجام نشده است تا بتوان با استناد مستقیم بدان، از ابهامات آماری موجود در زمینه مطالبه‌گری کاست. لذا با نظر به ضعف علمی و پژوهشی در این زمینه، اهمیت انجام این پژوهش خاطر نشان می‌شود.

بنابراین، با نظر به شرایط نابسامان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و افول ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی در ایران به طور عام و شهر یزد به طور خاص، این پژوهش درصدد شناخت مطالبات اقتصادی و فهم وضعیت مطالبه‌گری در میان زنان یزدی است. به دنبال شرایطی که ذکر آن رفت و حضور بیشتر نسل جوان در اعتراضات و فراوانی غر زدن والدین از شرایط اقتصادی نامطلوب، پژوهش حاضر با هدف شناخت مطالبات اقتصادی و وضعیت مطالبه‌گری زنان در دو گروه سنی مختلف در شهر یزد انجام شده است. این پژوهش در راستای نیل به این هدف اصلی، درصدد پاسخگویی به سوالات ذیل برآمده است:

مطالبات اقتصادی والدین و فرزندان در شهر یزد چیست؟

چه شرایطی در ابراز مطالبات یا عدم ابراز آن‌ها نقش دارد؟

راهبردهای مطالبه‌گری چگونه است؟

پیامدهای مطالبه‌گری یا عدم مطالبه‌گری حقوق شهروندی با تمرکز بر حقوق اقتصادی چیست؟

ادبیات پژوهش

به اعتقاد کراکس ویزنز^۱، مطالبه‌گری، پیگیری فعالانه حقوق از طریق مسیرهای گوناگونی است که شهروندان به منظور انتقال درخواست‌شان، درصدد برقراری ارتباط با مقامات رسمی یا اداری برخوردار از صلاحیت اجرایی برای تخصیص و توزیع کالا و خدمات عمومی، هستند. بنابراین، مطالبه‌گری از دیدگاه او در چارچوب روابط دولت-شهروندان جای دارد که شهروندان برای دسترسی به خواسته‌ها و خدمات عمومی کنش‌هایی انجام می‌دهند. مطالبه‌گری علاوه بر ارزش مادی به معنای ایجاد یا بهبود دسترسی به خدمات و امکانات، دارای ارزش ذاتی نیز هست. چراکه شهروندان با برقراری ارتباط با مقامات رسمی، مذاکره بر سر حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را نیز تمرین می‌کنند. لذا مطالبه‌گری ناظر بر اقداماتی است که به منظور برخورداری از حق آزادی، مشارکت در تصمیمات و اعمال قدرت و همچنین تامین رفاه اقتصادی و سلامت، انجام می‌گیرد. ویزنز معتقد است برای تحقق مطالبه‌گری نیاز است تا ۱- شهروند چیزی را بخواهد یا نیاز داشته باشد، ۲- دولت را مسئول رسیدگی به آن بداند، ۳- عمل خود را در مواجهه با دولت ارزشمند و کارآمد تلقی کند، ۴- راه‌های عبور از سیستم سیاسی را بداند و به کانال‌های تسهیل‌کننده عمل دست یابد (کراکس ویزنز، ۲۰۱۸: ۸).

برایان. اس. ترنر^۲ نظریه‌پرداز معاصر، مدلی جامعه‌شناسانه از شهروندی متناسب با شرایط غربی ارائه نموده است که براساس آن شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایفی است که به افراد، هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. ترنر با نظر به اینکه مطالبه‌گری ریشه در نیازها و خواسته‌های بشریت دارد، معتقد است انسان‌ها به عنوان حیوان اجتماعی برای برآوردن نیازهای ضروری خود با یکدیگر به تعامل رودررو می‌پردازند. افراد برای برآوردن نیازهایی اعم از نیاز به تایید، نیاز به پاداش‌های مفید مبادله‌ای، نیاز به اعتماد، نیاز به واقع‌بودگی و دوری از اضطراب و کسب عاطفه مثبت، وارد تعاملات متقابل می‌شوند. انتظارات افراد به‌مثابه بخشی از تعریف آن‌ها از موقعیتی که در آن هستند، از منابع مختلفی اعم از ارزش‌ها، هنجارها، اقتدار یا پایگاه نسبی افراد، تراکم وابستگی‌های شبکه‌ای در بین افراد و حتی سبک زندگی آن‌ها نشأت می‌گیرد (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹).

ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مطالبه‌گری و تحقق خواسته‌ها و مطالبات افراد توجه داشته است. در این میان، شرایط اجتماعی با ایجاد آگاهی در افراد می‌تواند شناخت و درک عمومی افراد از حقوق‌شان را ارتقاء داده و به تقویت مطالبه‌گری بینجامد. به اعتقاد وی، آگاهی از حقوق شهروندی پیش‌نیاز مطالبه‌گری محسوب می‌شود، به گونه‌ای که تا

1. Kruks-Wisner

2. Turner

شهروندان یک جامعه از حقوق خود آگاهی نداشته باشند، نمی‌توان انتظار فعالیت و کنشگری آن‌ها برای تحقق مطالباتشان را داشت (بیرانوند، ۱۳۹۹: ۴۱-۴۲).

در اغلب موارد، شهروندان مطالباتشان را از یک منبع قدرت درخواست می‌کنند و این منبع قدرت در سطح خرد و کلان از ابزار مختلفی برای پاسخگویی و سرکوب برخوردار است. شخص قدرتمند درون خانواده مثل پدر یا رئیس و مسئول یک اداره یا رئیس جمهور و سایر مقامات نمونه‌ای از منابع قدرت در سطوح خرد و کلان هستند که گاهی پاسخگوی مطالبات هستند و گاهی بی تفاوت و ناتوان از پاسخگویی و حتی فراتر از این گاهی از ابزار سرکوب در مقابل سوژه‌های مطالبه‌گر استفاده می‌کنند، لذا توجه به نظریات فوکو در رابطه با قدرت و استراتژی‌های مقاومت نیز مفید به نظر می‌رسد. به اعتقاد میشل فوکو، سوژه درون روابط قدرت و درگیر آن است ولی نیروی توخالی و فاقد اراده نیست، و از توانایی مقاومت و مخالفت برخوردار است (فوکو، ۱۳۹۰: ۳۶۵). تخطی و نافرمانی از حاکمیت، شورش علیه قواعد نظام اجتماعی، شورش‌های سیاسی، سرکشی از قواعد گفتارها و گاهی جنون و بزهکاری از استراتژی‌های مقاومت هستند که دست‌کم برای محدود کردن مرزهای قدرت و تنگ کردن عرصه‌های نفوذ و اعمال قدرت و یا افزایش آزادی‌های سوژه انجام می‌شوند (فوکو، ۱۳۹۰: ۳۶۶). همان‌طور که مقاومت، فرار، نافرمانی‌ها و آزادی‌های سرکش در مقابل روابط قدرت وجود دارد، هر رابطه قدرتی نیز به استراتژی‌های مبارزه مجهز است (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۳۳). با این‌که مقاومت، بیشتر در دوران غیرعادی و بحرانی روابط قدرت پدیدار می‌شود، ولی در تمام وضعیت‌ها شرط وجود رابطه قدرت است و نوعی حرکت دائمی از سلطه به شورش و از شورش به سلطه وجود دارد (پارسانیا و یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۵). فوکو مقاومت را نه یک حق شهروندی بلکه یک وظیفه سیاسی بی‌وقفه و نوعی واکنش یا برخورد با اعمال قدرت می‌داند که از حیات اجتماعی قابل تفکیک نیست (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۳۰-۴۲۹). نمونه این مقاومت در نافرمانی مدنی زنان در رعایت حجاب بعد از قضیه مهسا امینی قابل ردیابی است که زنان برای حق آزادی پوشش از ابزار نافرمانی مدنی سود جستند و دولت نیز از ابزار تهدید، جریمه و سرکوب در مقابل مطالبات اجتماعی زنان استفاده نمود.

در بساخت حساسیت نظری و با نظر به نظریات ترنر و سایرین، بر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر مطالبه‌گری و تحقق مطالبات، در ورود به میدان و طراحی پروتکل مصاحبه تمرکز بیشتری شد. همچنین در طراحی سوالات مرتبط با استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان، به نظریه فوکو و امید به تغییر که فوکو در لحظه مقاومت بیان می‌کند و افراد را برای مطالبه‌گری و مقاومت در برابر سلطه تشویق می‌کند، نیز توجه شد تا شرایط حاکم بر مطالبه‌گری یا فقدان مطالبه‌گری روشن‌تر شود. همسو با نظریه ویزنر نیز به این‌که کنشگران چه تفسیری از شرایط، مطالبات و اقدامات مطالبه‌گری دارند، توجه شده است تا بتوان دلایل مطالبه‌گری و عدم آن را

کشف نمود. کمالینکه با توجه به این نظریات، در پروتکل مصاحبه سؤالاتی طراحی شده است که ضمن توجه به بسترها، به مرجع و مسئول تحقق مطالبات و عاملیت یا انفعال کنشگران در مسیر مطالبات و تحقق آنها نیز پرداخته شود.

پیشینه تجربی پژوهش

مطالبه‌گری، به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که جوامع برای توسعه و پیشرفت باید بدان توجه داشته باشند. ولی به‌رغم اهمیت شناخت مطالبات شهروندان و بررسی وضعیت مطالبه‌گری در هر جامعه‌ای، پژوهشگران توجه چندانی به این مهم نداشته‌اند. برای آگاهی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و خودداری از انجام پژوهشی تکراری، تحقیقات مرتبط مرور و مورد کندوکاو قرار گرفته است.

صالحی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود ۶ مضمون اصلی اعم از مطالبات فرهنگی به صورت فراهم کردن شرایط آشنایی و فرهنگ ساده‌زیستی؛ مطالبات اقتصادی به صورت اشتغال‌آفرینی، وام‌سازی و مسکن‌سازی؛ مطالبات روانشناختی به صورت مشاوره پیش از ازدواج و آموزش مهارت‌های زندگی؛ مطالبات جامعه‌شناختی به‌صورت آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و آشنایی با آسیب‌های اجتماعی؛ مطالبات خانوادگی به صورت کاهش توقعات مادی‌گرایی خانواده و نگرش واقع‌بینانه؛ و مطالبات معنوی به صورت حمایت مساجد و یگان‌های مذهبی و تبلیغ آسان‌گیری ازدواج را استخراج و طبقه‌بندی نموده است.

عطایی آشتیانی و اسکندری (۱۴۰۰) با تحلیل فراوانی نیازهای عموم زنان در دوره صد و سی ساله قاجار، تصویر غیرواقعی زنان در روایت‌های تاریخی این دوره را براساس اسناد مکتوب به چالش کشیده و نشان می‌دهد حق مسکن، حق طلاق، مهریه، اجازه سفر و شروط اقتصادی از مطالبات اقتصادی زنان بوده است.

شبانی (۱۳۹۹) در پژوهشی دریافته است که مطالبه‌گری سبب رونق در جامعه می‌شود؛ رونقی که اکثر مسائل اقتصادی، هنری، سیاسی و غیره را در برمی‌گیرد. مطالبه‌گری سبب می‌شود تا حس مشارکت‌پذیری در تمامی افراد جامعه تقویت شود و خود را نیز جزئی از بازوی نظارتی و شفاف‌سازی بدانند. زمانی که در جامعه مطالبه‌گری نهادینه شد، به صورت غیرقابل باوری جامعه به سمت رشد و تعالی میل می‌کند. رانت و فساد، دزدی، اختلاس و کم‌کاری در نهادهای مختلف (چه حکومتی، چه دیگر نهادها) به حداقل می‌رسد، چون مسئولین هر لحظه درحال رصد شدن توسط مخاطبان خود هستند و کوچکترین لغزش مساوی است با درخواست مطالبه‌گری.

میرحسینی و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند در جامعه هدف (زنان شهر قزوین) مطالبات با رویکرد اقتصادی شایع‌ترین و مطالبات با رویکرد حقوقی کمترین شیوع را داشته است. در

عین حال که سرمایه اجتماعی بیش از سبک زندگی، روی مطالبات اجتماعی زنان مؤثر بوده است و این دو متغیر به اتفاق هم توانسته‌اند ۱۴/۵ درصد از واریانس مطالبات اجتماعی زنان را تبیین کنند.

نشات^۱ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که در قرن بیستم، سنت‌های قدیمی حاکم بر زندگی زنان در ایران به تدریج با تغییر برداشت زنان از خود و نگرش مردان نسبت به زنان، دگرگون شد. تسلط مردانه بر زنان با گوشه‌نشینی زنان نشان داده می‌شد. گوشه‌نشینی در بیرون از خانه با پوشیدن حجاب، که جدایی جهان زن و مرد را تضمین و تداوم می‌بخشید، تحمیل می‌شد. با این وجود تعالیم اسلام وضعیت زنان را بهبود بخشید. زنان از حقوق اقتصادی، مذهبی و مدنی برخوردار شدند، هر چند در حوزه‌های اقتصادی و مدنی حقوق آنها با مردان برابر نبود و حتی ارزش کار مردان بیشتر از کار زنان بود و مردان باهوش‌تر از زنان تلقی می‌شدند. بنابراین می‌توان گفت برخی از تحولات در جامعه اسلامی، روندهایی را تسریع کرد که به انزوای بیشتر زنان دامن زده و تأثیر آموزه‌های برابری طلبانه اسلام را خنثی کرد.

اویدمی^۲ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که اشکال مختلف نابرابری اعم از انواع دسترسی به اینترنت، شرایط دسترسی، هزینه دسترسی، درآمد خانواده، نژاد و جغرافیا بر الگوهای استفاده جوانان از اینترنت تأثیر می‌گذارند. برای بسیاری از دانش‌آموزان، این اشکال نابرابری بر تعداد دفعات استفاده و میزان فعالیت‌های آنلاینی که در آن شرکت می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، تجربه کامل مشارکت و شهروندی از طریق ابزارهای دیجیتال برای بسیاری از جوانان محدود می‌شود که این امر می‌تواند در بسیاری از موارد حقوق شهروندی و نوع مشارکت را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

با نظر به پژوهش‌های داخلی و خارجی، می‌توان دریافت مسئله تحقیق حاضر، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است و در این زمینه خلاء پژوهشی وجود دارد. درواقع هیچ‌یک از تحقیقات داخلی و خارجی به شناخت مطالبات و وضعیت مطالبه‌گری در میان دو گروه سنی متفاوت نپرداخته‌اند. به لحاظ روش‌شناسی نیز اکثر پژوهش‌ها با رویکرد کمی و روش پیمایشی انجام شده‌اند. لذا مرور پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی و روش‌شناسی از نوآوری برخوردار بوده است بدین‌صورت که از روش کیفی برای شناخت مطالبات و وضعیت مطالبه‌گری زنان از دو گروه سنی متفاوت استفاده شده است.

روش‌شناسی

به اعتقاد کرسول و کلارک، نیاز پژوهش در انتخاب رهیافت‌های کیفی یا کمی به عنوان روش مطالعه نقش دارد. بنابراین، با توجه به نیاز پژوهش برای شناخت مطالبات اقتصادی و شرایط خرد

1. Nashat

2. Oyedemi

و کلان حاکم بر وضعیت مطالبه‌گری در میان دو نسل، از رویکرد کیفی استفاده شده است. پژوهش حاضر در بستر شهر یزد انجام شد که مشارکت‌کنندگان شامل دو گروه والدین یزدی و فرزندان بوده‌اند. معیاری که در انتخاب مشارکت‌کنندگان بدان توجه شد این بود که والدینی انتخاب شوند که به لحاظ عقاید، علایق، سبک زندگی با فرزندان‌شان تفاوت قابل توجهی داشته باشند. نسبت مادر- فرزند و عدم نسبت مادر- فرزند مشارکت‌کنندگان نیز معیاری دیگری بود که در انتخاب مشارکت مورد توجه بوده است. بنابراین، گروه‌های سنی ۱۵-۲۵ سال و ۴۵ به بالا که برخی دارای نسبت مادر- فرزند و برخی بدون نسبت خانوادگی با یکدیگر بوده‌اند از اولویت‌هایی بوده است که در انتخاب مشارکت‌کنندگان بدان توجه شده است.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر براساس نمونه‌گیری نظری و با انتخاب موارد غنی از اطلاعات، یعنی انتخاب مواردی که امکان مطالعه عمیق را فراهم و زمان کافی برای مشارکت در پژوهش داشته‌اند؛ انجام شد. این نوع نمونه‌گیری هنگامی مهم است که به کشف عرصه‌های نو یا دست نخورده و ناشناخته می‌پردازیم. کمالینکه مطالبه‌گری به‌عنوان مقوله‌ای اجتماعی، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است و بیشتر به مفاهیمی چون مشارکت اجتماعی یا نقطه مقابل آن بی‌تفاوتی اجتماعی پرداخته شده است. (استراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۲۲۰-۲۲۱).

در پژوهش حاضر نمونه‌گیری و فرایند جمع‌آوری داده‌ها و دستیابی به مفاهیم و مقولات تا مرحله اشباع کامل، ادامه داشته است. همچنین بعد از انتخاب مشارکت‌کنندگان و دسترسی و ارتباط با آن‌ها، با انجام مصاحبه‌های عمیقی که کمترین آن ۳۰ دقیقه و بیشترین آن سه ساعت به طول انجامیده، فرایند جمع‌آوری داده‌ها آغاز شده است. با انجام هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل آن طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی نیز انجام شده است.

مسئله وثوق و اعتباریابی از مشاهدات و نتایج از جنبه‌های مهم روش‌شناسی کیفی است؛ که میشلر این فرایند را بر ساخت اجتماعی دانش تعریف می‌کند (فلیک، ۱۳۹۴: ۴۱۶). در این پژوهش چهار معیار اعتبارپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، قابلیت اطمینان^۳ و تاییدپذیری^۴ که توسط لینکلن و گوبا^۵ (۱۹۸۵) مطرح شده است (حریری، ۱۳۸۵: ۷۶-۶۴)، در تضمین صحت و قابلیت اعتماد استفاده شده است.

بدین‌صورت که معیار اعتبارپذیری با راهبردهایی چون تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف و تبادل نظر با هم‌تایان تقویت شده است. معیار

-
1. Credibility
 2. Transferability
 3. Dependability
 4. Confirmability
 5. Lincoln and Guba

انتقال‌پذیری نیز از رهگذر راهبردهای توصیف کامل زمینه، شرایط پژوهش و ارائه جریئات کامل در مورد نکات اساسی آن رعایت شده است. قابلیت اطمینان با توصیف و توجه پژوهشگر به تغییرات و شرایط متغیر پدیده‌های مورد مطالعه و طرح پژوهش ممکن شده است. در نهایت در مسیر افزایش معیار تاییدپذیری همانند معیار قابلیت اطمینان از تبادله نظر با هم‌تایان استفاده شده است. برای اطمینان و اتکاپذیری داده‌ها نیز مصاحبه‌های تحقیق در محیطی آرام و به‌طور کامل ثبت و ضبط شده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان

تعداد	اسامی مستعار	سن	وضعیت تاهل	میزان تحصیلات	شغل	نسبت خانوادگی
۱	مهدیه	۲۵	متاهل	دیپلم	خیاط	مادر-فرزند
۲	مریم	۴۸	متاهل	ابتدایی	خانه‌دار	
۳	فاطمه	۱۹	مجرد	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	مادر-فرزند
۴	فخری	۴۶	متاهل	ابتدایی	خانه‌دار	
۵	معصومه	۴۵	متاهل	ابتدایی	خیاط	مادر-فرزند
۶	مehشید	۱۹	متاهل	دیپلم	خانه دارد	
۷	نسرین	۴۸	متاهل	راهنمایی	خیاط	-
۸	نرگس	۲۱	متاهل	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	-
۹	مائده	۲۱	متاهل	دانشجوی کارشناسی	دانشجو	-
۱۰	ندا	۲۵	متاهل	دیپلم	خانه‌دار	-
۱۱	ناهید	۲۵	مجرد	کارشناسی	مربی آموزشی	-
۱۲	شیدا	۲۵	مجرد	کارشناسی	منشی مرکز دیابت	-
۱۳	فائزه	۲۵	متاهل	کارشناسی	مددکار اجتماعی	-

یافته‌های پژوهش

با تحلیل مصاحبه‌ها و کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و گزینشی، پدیده مرکزی تحت‌عنوان «برآمدن مطالبات اقتصادی» بر ساخت شده است. به عبارت بهتر، با توجه به فراوانی مفهوم مطالبات اقتصادی و معنابخشی برآمدن مطالبات اقتصادی در یک ارتباط ارگانیک با سایر مقولات، این مقوله به عنوان پدیده مرکزی بر ساخت شد. بویژه این که سایر مقولات نیز حول این

پدیده می‌چرخد. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای که در شکل‌گیری، تشدید یا تضعیف پدیده مرکزی نیز نقش داشته است، مورد مطالعه قرار گرفته و یافته‌های حاصل به شرح ذیل ارائه شده است:

شرایط علی

شرایط علی ناظر بر عوامل و شرایطی که در بروز پدیده مرکزی نقش علی و تعیین‌کننده داشته و به وقوع پدیده منجر می‌شود. در جدول شماره ۲ عوامل و شرایطی که در این پژوهش منجر به برآمدن مطالبات اقتصادی می‌شود، ارائه شده است:

جدول شماره ۲: شرایط علی برآمدن مطالبات اقتصادی

مقولات اصلی
دیالکتیک حق و تکلیف
دغدغه‌های اقتصادی فراگیر
منبع: یافته‌های پژوهش

دیالکتیک حق و تکلیف

این مقوله از دو زیر مقوله فرعی تحت عنوان «وظایف اقتصادی دولت» و «حقوق اقتصادی ملت» تشکیل شده است. با توجه به این که دولت خود را خادم ملت می‌داند و همواره وعده‌های مختلف اقتصادی در جهت بهبود شرایط اقتصادی جامعه از سوی مقامات ذی‌ربط مطرح شده است، انتظاراتی در مردم شکل گرفته است. علاوه بر این، شهروندانی که به وظایف خود در مقابل دولت متعهد هستند انتظار بیشتری از دولت دارند تا حقوقشان را رعایت کند. درواقع انتظار می‌رود یک رابطه دوسویه بین وظایف و حقوق دولت و ملت وجود داشته باشد و بدان عمل شود و صرفاً در حد شعار باقی نماند. از سوی دیگر مردم نسبت به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود آگاه‌تر شده‌اند و از مسئولین انتظار دارند عدالت، برابری و مطالبات اقتصادی ضروری و اولیه شان را برآورده سازد. وظایف اقتصادی دولت در قبال مردم این‌چنین روایت شده است:

«ما حقی که داریم این‌که دولت به عنوان نهادی که وجود دارد از نظر اقتصاد تونسته باشه تورم رو کنترل کنه تونسته باشه به اقتصاد با ثباتی رو نگه داره اینقدر بالا و پایین نشه این چیزایی که دولت باید انجام بده حالا توی مطالبه اقتصادی»

دغدغه‌های اقتصادی فراگیر

این مقوله طیف وسیعی از مشکلات و دغدغه‌های اقتصادی را پوشش می‌دهد. اغلب شهروندان با مشکلات اقتصادی در سطوح مختلف خرد و کلان مواجه هستند. از این مشکلات می‌توان از

عدم ثبات اقتصادی و تورم بی‌رویه، افزایش بهای منابع انرژی، مشکلات مالی بر سر ازدواج از جمله خرید جهیزیه، خرید یا اجاره خانه، تعمیر وسایل ضروری خانه تا هزینه‌های سربازی و دانشگاه، خرید یا تعمیر وسیله نقلیه معمولی نام برد. اما عدم ثبات اقتصادی و تورم بی‌رویه که روز به روز بر سلامت روان شهروندان نیز اثر منفی گذاشته است، از این فراتر رفته است، به گونه‌ای که آن‌ها را در تامین خوراک به عنوان نیازهای اقتصادی اولیه و ضروری نیز مستعصل نموده است. خرید گوشت، مرغ، میوه و نظایر این‌ها برای اغلب شهروندان به حداقل رسیده و گاهی ناممکن شده است.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای ناظر بر بسترها و شرایط خاصی است که با پدیده مرکزی و استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان در ارتباط است. در جدول شماره ۳ شرایط زمینه‌ای که در تشدید یا تضعیف برآمدن مطالبات اقتصادی نقش دارد، بیان شده است:

جدول شماره ۳: شرایط زمینه‌ای برآمدن مطالبات اقتصادی

مقولات اصلی
گذشت‌های مادی
سابقه مطالبه‌گری

منبع: یافته‌های پژوهش

گذشت‌های مادی

انسان به عنوان موجودی آگاه و صاحب اراده و اختیار در تمام مراحل زندگی حق انتخاب دارد. بنابراین در مسئله گرفتن حقوق و یا گذشتن از حقوق اقتصادی فردی نیز دارای قدرت انتخاب است. برخی شهروندان به دلایلی چون رضای خدا یا با توجه به روحیه انسان دوستی، از خود گذشتگی، مهربانی و نظایر این‌ها گاهی از حقوق مادی خود می‌گذرند. برخی دیگر نیز علاقه دارند که اثبات کنند حق با آن‌هاست و بعد از اثبات شدنش، حق خود را به طرف مقابل می‌بخشند. گذشت‌های مادی این چنین روایت شده است:

«الان همین مستاجر ما ۱۵۰۰ کم کردیم گفتیم حالا اونم گناهه وضعش بدتر از ماهه گفتیم حالا اینجا خودمون کمتر گیرمون بیاد».

سابقه مطالبه‌گری

برخورداری از صفات شخصیتی مستعد برای فعالیت‌های مطالبه‌گری، ممکن است از دوران کودکی در برخی افراد وجود داشته باشد و از همان اوایل حضور در دوران مدرسه خودش را نشان دهد. اما برخی افراد نیز با توجه به صفات شخصیتی تخفیف‌دهنده مطالبه‌گری مثل خجالت، کم‌حرفی و غیره و با توجه به جنسیت و وضعیت تاهل از مطالبه‌گری بویژه از مردان اجتناب می‌کنند.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر در مقایسه با شرایط زمینه‌ای، بر شرایط گسترده و کلان‌تری دلالت دارد که بر پدیده مرکزی دلالت دارد و استراتژی‌ها در آن به وقوع می‌پیوندند. شرایط مداخله‌ای که در این پژوهش در ممانعت یا تسهیل برآمدن مطالبات اقتصادی و استراتژی‌های مواجهه با آن نقش دارد، در جدول شماره ۴ بیان شده است:

جدول شماره ۴: شرایط مداخله‌ای برآمدن مطالبات اقتصادی

مقولات اصلی
نارضایتی از کژکارکردهای اقتصادی – سیاسی
کاهش تاب‌آوری اقتصادی
منبع: یافته‌های پژوهش

نارضایتی از کژکارکردهای اقتصادی – سیاسی

در کنار دغدغه‌های اقتصادی فراگیر، کژکارکردهای اقتصادی – سیاسی موجود باعث تشدید نارضایتی شهروندان شده است. فراوانی جرایم – مفاسد اقتصادی بویژه در سطح کلان نظیر اختلاس‌ها و دزدی‌های ساختاری و عدم مجازات مورد انتظار این مفسدان اقتصادی، کاربرد وسیع رانت در سطوح مختلف بویژه در سطح سازمان‌ها، فریب‌های اقتصادی دولت مثل یارانه یا تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بورس و ریزش ارزش سهام و عدم تلاش مسئولین در احیای ارزش پول سهامداران متضرر و از آن طرف گران‌فروشی و عدم نظارت بر قیمت فروش اجناس از مواردی است که نارضایتی شهروندان را به دنبال داشته است. عدم مجازات اختلاسگران این‌چنین روایت شده است:

«کدام اختلاس‌گر جلو چشم مردم اعدام شد و اموالش به نفع مردم مصادر شد»

اما کژکاردهای اقتصادی و سیاسی دیگری از جمله حراج منابع ملی و مصرف غیرداخلی آن، عدم شفافیت در مصرف نذورات و بیت‌المال، عملکرد سیاسی و اقتصادی نامطلوب مسئولین، تحریم اقتصادی ایران، عدم تناسب حقوق با شرایط اقتصادی جامعه و تورم بی‌سابقه، خودپرستی و منفعت‌طلبی برخی مقامات و مشاهده نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به نفع مقامات، نه‌تنها نارضایتی نسل جوان بلکه نارضایتی والدین آن‌ها و کاهش تاب‌آوری اقتصادی مردم بویژه طبقات محروم یا پایین و متوسط را نیز به دنبال داشته است.

پدیده مرکزی

در میانه مدل نیز پدیده مرکزی قرار گرفته است، که ناظر بر حادثه، اتفاق، واقعه و فکری محوری است؛ که استراتژی‌ها به سوی آن رهنمون شده تا آن را به نحوی اداره و یا با آن برخورد کنند. حال با نظر به آنچه گذشت پدیده محوری یا مرکزی پژوهش تحت‌عنوان «برآمدن مطالبات اقتصادی» بر ساخت شده است.

برآمدن مطالبات اقتصادی

حال با توجه به آنچه گذشت می‌توان اساسی‌ترین مطالبات اقتصادی شهروندان را در مقوله‌های اصلی اعم از شکل‌گیری مطالبات اقتصادی سیاسی شده، کنترل تورم و رکود اقتصادی، تسهیل ساخت مسکن، اعطای تسهیلات متناسب به دانشجویان، تسهیل شرایط دریافت و بازپرداخت وام مسکن‌سازی، برآورده‌سازی مطالبات اقتصادی اولیه ملت، ایجاد برابری عادلانه در برخورداری از منابع اقتصادی، تسهیل شرایط ازدواج، مطالبه‌گری میراث، و مطالبه‌گری برخاسته از مشکل خلاصه کرد. بیشتر این مطالبات اقتصادی به ساختار سیاسی ارجاع شده است که نشان می‌دهد شهروندان رسیدگی و تحقق این مطالبات را از وظایف ساختارهای اقتصادی و سیاسی می‌دانند. برآورده‌سازی مطالبات اقتصادی اولیه ملت این چنین روایت شده است:

«واقعا ما مطالبه خیلی سختی از دولت نداریم تو حوزه مادی به سبک زندگی عادی بتونیم برای خودمون تامین کنیم»

بعد از مطالبات اقتصادی از ساختارهای اقتصادی و سیاسی، حمایت‌های مالی خانواده و ارث و میراث منبع و مرجعی برای تحقق مطالبات اقتصادی محسوب می‌شود. از سوی دیگر لازم است توجه داشت که بیشتر این مطالبات برخاسته از مشکلات و نیازهای اقتصادی ضروری و اولیه بوده است که شهروندان برای برآورده کردنش فشار زیادی را تحمل کرده‌اند. در مواجهه با مطالباتی که شکل گرفته است و روز به روز تحقق آن برای شهروندان سخت و گاهی ناممکن به نظر می‌رسد، کنش‌هایی انجام می‌شود که در ادامه تشریح خواهد شد.

راهبردها

استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان در پاسخ به پدیده مرکزی و تحت‌تاثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر در جدول شماره ۵ بیان شده است:

جدول شماره ۵: راهبردهای برآمدن مطالبات اقتصادی

مقولات اصلی
کنش‌های اقتصادی معطوف به خود-معطوف به دیگری
مطالبه‌گری/نامطالبه‌گری
منبع: یافته‌های پژوهش

کنش‌های اقتصادی معطوف به خود-معطوف به دیگری

شهروندان برای تحقق مطالبات اقتصادی خود، ممکن است کنش‌های مختلفی انجام دهند که برخی مستلزم تلاش‌های فردی است که تحت‌عنوان کنش‌های اقتصادی معطوف به خود بر ساخت شده است. به عبارت بهتر تلاش در جهت روی پای خود ایستادن، تلاش مضاعف زوجین برای تحقق مطالبات مادی اولیه، محدود کردن سبب معیشتی، افزایش خرید با افزایش قیمت، از اقداماتی است که معطوف به انتخاب و تصمیم و تلاش خود کنشگران است که می‌تواند مثبت یا منفی توصیف شود.

اما پاره‌ای از کنش‌ها نیز علاوه بر خود، معطوف به دیگران نیز هستند. در این اقدامات فرد انتخاب می‌کند از دیگری برای تحقق مطالباتش کمک بگیرد که گاهی کمک‌ها به‌هنگار است مثل وام و گاهی نابه‌هنگار است و برای جامعه آسیب به همراه خواهد داشت مثل استفاده از رانت. این دیگران می‌توانند اعضای خانواده، دوستان، بستگان و یا ساختارها و سازمان‌های مختلف بویژه ساختارهای اقتصادی باشند. ورود به چرخه ناسالم رانت برای تحقق مطالبات مالی، گفتگوی ملتمسانه برای دریافت مساعدت بانک، مطالبه‌گری میراث، کمک گرفتن از دیگران نزدیک برای تامین نیازهای اولیه، از جمله اقداماتی هستند که معطوف به دیگران و ساختارهای اقتصادی و نهاد خانواده هستند که می‌تواند هنجارمند یا مثبت و غیرهنجارمند یا منفی، تلقی و توصیف شود.

مطالبه‌گری/نامطالبه‌گری

شهروندان در مواجهه با مطالبات اقتصادی گاهی از مطالبات خود می‌گذرند و از مطالبه‌گری اجتناب می‌کنند و به جای آن با اقداماتی نظیر فروش دارایی‌ها مثل طلا، ماشین و یا دست

کشیدن اعتراضی از دارایی‌ها، سعی می‌کنند مطالبات اقتصادی خود را برآورده سازند. در گذشتن از مطالبات اقتصادی، از خودگذشتگی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر نقش مهمی داشته است. علاوه بر این گاهی افراد با آسیب زدن به خود مثل آتش زدن خود و حتی خانواده خود به مطالبات اقتصادی و فشارهای ناشی از عدم تامین مطالبات‌شان، پایان می‌دهند.

فقدان اعتراض به گرانی غیراصولی، بی‌فایده‌گی تجمعات بخاطر پاسخگو نبودن، عدم شرکت در تجمعات اعتراضی به گرانی از مفاهیمی است که گریز از مطالبه‌گری اقتصادی معترضان را بازنمایی می‌کند. درواقع اغلب خانواده‌های یزدی به‌رغم مطالبات اقتصادی فراوان و فشارهای ناشی از آن، از شرکت در تجمعات اعتراضی نسبت به گرانی و مشکلات اقتصادی به دلایلی مختلفی چون رسانه‌ای شدن آن، خوشحالی دشمنان ایران، بی‌فایده‌گی شرکت در تجمعات در حل مشکلات و غیره خودداری می‌کنند. فقدان مطالبه‌گری اقتصادی معترضان این‌چنین بازتعریف شده است:

«گلایه دارم نسبت به گرونی و اینا، ولی من تو تجمعات و اینا شرکت نمیکم»

مطالبه‌گری از مقوله‌هایی نظیر مطالبه‌گری اقتصادی عواطف‌محور، مطالبه‌گری اقتصادی با دشنام به بانیان مشکلات مالی، مطالبه‌گری اقتصادی غیر خشونت‌آمیز، نافرمانی مدنی، شرکت در تجمعات در اعتراض به گرانی، مطالبه‌گری اقتصادی سیاسی شده، رویگردانی از مشارکت سیاسی، مطالبه‌گری کتبی و شفاهی از نهادهای ذی‌ربط، برساخت شده است. مطالبه‌گری اقتصادی عواطف‌محور با استفاده از عواطفی نظیر گریه، ناراحتی، قهر و نظایر این‌ها انجام می‌شود که به نظر می‌رسد به عنوان ابزاری برای وادار کردن طرف مقابل به تحقق مطالبات و نیازهاست. این نوع مطالبه‌گری از سوی بچه‌ها و بانوان بیشتر استفاده شده است.

مطالبه‌گری اقتصادی با دشنام به بانیان مشکلات مالی در زمره مطالبه‌گری از نوع کلامی محسوب می‌شود. در این نوع مطالبه‌گری با خشونت کلامی مثل دشنام دادن، گلایه کردن، غر زدن، نارضایتی از مشکلات اقتصادی و عدم تامین مطالبات اقتصادی، ابراز شده است. عمدتاً مرجع این دشنام‌ها، بانیان ایجاد این مشکلات هستند که اغلب منظور نظام سیاسی و عالمان دینی بوده است.

مطالبه‌گری اقتصادی غیرخشونت‌آمیز با اعتصاب در خرید اجناس بخاطر گرانی انجام می‌شود. با گران شدن اجناس و ناتوانی در تامین مطالبات اقتصادی ضروری، برخی به حذف و محدود کردن سبد غذایی می‌پردازند و برخی بخاطر ترس از گران‌تر شدن، به خرید بیشتر می‌پردازند که این استراتژی‌ها در زمره اقدامات اقتصادی معطوف به خود قرار گرفته است. اما اعتصاب در خرید می‌تواند به صورت فردی یا جمعی انجام شود که با توجه به قدرت جمع، احتمال موفقیت اعتصاب در تحقق مطالبات اقتصادی بیشتر خواهد بود.

اما مطالبه‌گری اقتصادی گاهی با ابزارهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مثل نافرمانی مدنی، سرپیچی کردن از خواست قدرت سیاسی، بی‌حجابی در اعتراض به گرانی، شرکت در تجمعات در اعتراض به گرانی، مطالبه‌گری اقتصادی سیاسی شده، و مطالبه‌گری کتبی و شفاهی از نهادهای ذی‌ربط انجام می‌شود. در بین شهروندان گاهی نوعی لجبازی در مقابل خواست قدرت سیاسی و ارزش‌ها و هنجارهای نظام به چشم می‌خورد. درواقع افراد با این اقدامات سعی دارند نارضایتی خود از شرایط موجود و بویژه شرایط اقتصادی را برجسته کنند تا شنیده شوند.

از طرفی شهروندان در تجمعات مسالمت‌آمیز در مقابل ارگان‌های مربوط جهت بیان مطالبات اقتصادی مثل افزایش حقوق و اجرای آیین‌نامه ذی‌ربط مشارکت می‌کنند تا مسئولین را به پاسخگویی وادار کرده و مطالبات‌شان تحقق یابد. مطالبه‌گری کتبی و شفاهی از نهادهای ذی‌ربط، استراتژی دیگری بوده است که شهروندان برای مطالبات اقتصادی خود در پیش می‌گیرند. به عنوان مثال در مواجهه با گران‌فروشی، قیمت فروش را به صنف مربوطه ارجاع می‌دهند و یا مطالبات اقتصادی خود را به صورت مکتوب یا شفاهی به گوش مسئولین ذی‌ربط می‌رسانند. به عنوان مثال اغلب شهروندان با حضور رئیس‌جمهور در شهرشان، نامه مطالباتی خودشان را به ارگان و مسئول مربوطه تحویل می‌دهند تا بدان رسیدگی شود. نامه مطالباتی به رئیس‌جمهور این چنین روایت شده است:

«پیدارسال رئیسی میومده یزد گفتن که بیاد میدان امام حسین دم/استانداری نامه بنویسید من و دخترم که رفتیم دخترم خو باید پای بجش عمل کنه ما هم گفتیم دست و بالمون خالیه ۳۰ تومان هم میسونیم خرد خردک پول میدیم و یه تکه برای دختر برمیذاریم»

پیامدها

پیامدهای ناشی از به کارگیری استراتژی‌ها و اقدامات کنشگران در مواجهه با پدیده مرکزی در جدول شماره ۶ بیان شده است:

جدول شماره ۶- پیامدهای برآمدن مطالبات اقتصادی

مقولات اصلی

حل ناشدگی مطالبات اقتصادی

عوارض چند بعدی مطالبات حل نشده

منبع: یافته‌های پژوهش

عوارض چندبعدی مطالبات حل نشده

براساس مقوله حل‌ناشدگی مطالبات اقتصادی می‌توان دریافت مطالبات اقتصادی در اکثر موارد تحقق نیافته و حتی به عنوان یک مسئله پروبلماتیک و حل نشده فشار زیادی را بر افراد تحمیل نموده است. اما عوارض و پیامدهای عدم تحقق مطالبات و بویژه مطالبات اقتصادی حل نشده در ابعاد مختلفی قابل پیگیری بوده است. یکی از آن‌ها پیامدهای اجتماعی گسترده و جبران‌ناپذیری است که مطالبات حل نشده به همراه خواهد داشت. افزایش فساد اخلاقی با برآورده نشدن مطالبات اقتصادی، افزایش احتمال طلاق بواسطه مشکلات اقتصادی، افزایش فساد با برآورده نشدن مطالبات اقتصادی، افزایش دزدی در جامعه، تشدید جرأت هنجارشکنی، فراوانی بی‌عدالتی در جامعه، زباله گردی زنان و بچه‌ها، افزایش نارضایتی اجتماعی، تضعیف امید به آینده در جوانان، از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی مطالبات اقتصادی حل نشده و فشارهای ناشی از مشکلات اقتصادی فراوان، محسوب می‌شود. با وجود مشکلات اقتصادی ارزش‌های اخلاقی نادیده گرفته خواهد شد و زنان گاهی به روسپی‌گری و زباله‌گردی روی خواهند آورد. اما این فقط زنان نیستند، بلکه کودکان و مردان هم همان‌طور که در سطح جامعه هم قابل مشاهده است، به زباله‌گردی می‌پردازند.

به تدریج جرأت هنجارشکنی در سطح جامعه تشدید شده و افراد به دزدی‌های کوچک و بزرگ در سطوح خرد تا کلان نیز اقدام می‌کنند. بنابراین نه تنها فساد اخلاقی بلکه فسادهای اقتصادی نظیر رانت، اختلاس و نظایر این‌ها در این چرخه بازتولید می‌شود. با وجود مشکلات اقتصادی و به‌رغم تلاش‌های فردی و زوجین، گاهی مطالبات و نیازهای خانواده برآورده نشده و اختلافات زناشویی تشدید شده و احتمال طلاق تقویت خواهد شد. در کنار افزایش احتمال طلاق، کاهش آمار ازدواج و کاهش فرزندآوری نیز پیامدی است که با وجود فراوانی مطالبات اقتصادی برآورده نشده و یا به طول انجامیدن برآورده شدن آن، در سطح جامعه خودش را نشان داده است.

همچنین احساس بی‌عدالتی، نارضایتی اجتماعی، کاهش امید به آینده بویژه در جوانان نیز تشدید شده است و اغلب افراد به طور مستمر گله‌مندی خود را از این شرایط بیان می‌کنند. تمام این موارد به افزایش قدرت دافعه در کشور، افزایش تمایل به مهاجرت و در نهایت مهاجرت و کاهش نیروی کار جوان و فرار نخبگان نیز منجر شده است. افزایش مهاجرت این‌چنین روایت شده است:

«الان خیلی از جوانانمون دارن مهاجرت میکنن یعنی وقتی میبینن خواسته هاشون

برآورده نمیشه مطالباتشون رو جوابگو نیستن مهاجرت/تفاقی می‌افته که برن»

کمالینکه که گاهی شهروندان با استراتژی‌های مختلف مطالبات اقتصادی خود را بیان و پیگیری می‌کنند، ولی این مطالبه‌گری ممکن است در تحقق مطالبات‌شان موفق و یا ناموفق

باشد. وقتی شهروندان با مطالبه‌گری، موفق به تحقق مطالبات خود نمی‌شوند، نوعی نارضایتی در آن شکل گرفته و اغلب با تعمیم تجربیات منفی مطالبه‌گری و سختی‌های مطالبه‌گری و عدم نتیجه‌بخشی آن، از مطالبه‌گری مجدد خودداری می‌کنند. تعمیم این تجربیات و اشتراک آن با دیگران به کاهش مطالبه‌گری در دیگر شهروندان نیز دامن خواهد زد.

حمایت از دولت مشروط به برآورده‌سازی مطالبات اقتصادی، بحران مشروعیت دین و سیاست، افزایش بی‌اعتمادی سیاسی، کاهش مشارکت سیاسی، تقویت بدبینی سیاسی، مقصرانگاری مسئولین در وضعیت جامعه، زیر سوال رفتن عملکرد حمایتی دولت، نارضایتی جوانان از بی‌توجهی مسئولان به مطالبات اقتصادی، امکان فلج شدن مملکت با ادامه فشارهای اقتصادی، نارضایتی از بانکداری ظاهراً اسلامی، پیامدهای سیاسی مطالبات اقتصادی حل نشده را بازنمایی کرده است. اغلب شهروندان با توجه به وظایف دولت در قبال شهروندان، فراوانی مشکلات اقتصادی و عدم تحقق مطالبات اقتصادی در هر دو صورت مطالبه‌گری یا فقدان مطالبه‌گری و با تلاش‌های مضاعف فردی، و در مقابل بخاطر فقدان پاسخگویی، عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی دولت به مطالبات مردم، دولت را مقصر دانسته و نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی سیاسی در بین مردم ایجاد و تقویت شده است.

بنابراین اغلب فکر می‌کنند دولت از این وضعیت اقتصادی در جهت مشغول‌سازی مردم به مشکلات اقتصادی سود جسته و از این‌رو عملکرد حمایتی دولت و حتی ساختارها و سازمان‌های اقتصادی نظیر بانکداری ظاهراً اسلامی زیر سوال رفته است. با توجه به چنین برداشت‌هایی، مشروعیت نهاد سیاست و بعد از آن دین بخاطر دخالتی که در سیاست دارد، در معرض تهدید قرار گرفته و با کاهش مشارکت سیاسی مثل رای ندادن همراه خواهد شد و مشروعیت نهاد سیاست و دین، دچار بحران خواهد شد. می‌توان گفت حمایت مردم از دولت مشروط به برآورده‌سازی مطالبات‌شان بویژه مطالبات اقتصادی آن‌ها به نظر می‌رسد.

سهمیم دانستن مساوی دولت-ملت در وضعیت نابه‌سامان موجود، نارضایتی از شکاف طبقاتی، احتمال تکرار اعتراضات دیگر پیامدهای اجتماعی-سیاسی مطالبات اقتصادی حا نداشته را بازنمایی کرده است. برخی شهروندان به جای داشتن نگاه تک بعدی و صفر و صد به شرایط موجود، با نگاه دیالکتیکی، سهم مردم و دولت را در وضعیت موجود مساوی می‌دانند و از عملکرد کلی دولت رضایت دارند. اما برخی دیگر نابرابری‌های حاکم و شکاف طبقاتی به نفع مقامات را ناعادلانه تعریف می‌کنند و از تضییع حقوق ملت به نفع مقامات راضی نیستند. از طرفی با توجه به افزایش میزان تجمعات برای بیان مطالبات اقتصادی و آشوب‌های اجتماعی و تظاهرات در سال‌های اخیر، ادامه این فشارهای اقتصادی و عملکرد ناهنجار رضایت بخش دولت، تکرار اعتراضات محتمل خواهد بود. احتمال تکرار اعتراضات این چنین روایت شده است:

«مردم اعتراضی که شد هشتک‌های که گذاشتن ولی اخراج سرکوب بود و نتیجه‌ش این شد که الان همه مردم ساکتن شاید دوباره این زخمه باز بشه شاید دوباره مردم بیان شایدم دیگه این اتفاق نیفته»

از پیامدهای روانی مطالبات اقتصادی حل نشده می‌توان به تورم عواطف منفی، خستگی مضاعف شهروندان از وضعیت نابه‌سامان اقتصادی، مواجهه با اگرهای فراوان در نرسیدن به مطالبات، ناراحتی، فشار عصبی، ناامیدی مطلق، نگرانی، احساس درماندگی مطلق، از بین رفتن شوق جوانان، نارضایتی قلبی از تضییع‌کنندگان حق خود، غصه خوردن برای جامعه، شرم‌نده شدن سرپرست خانوار، و نظایر این‌ها اشاره کرد. افراد با وجود شرایط اقتصادی موجود و پیامدهای سیاسی و اجتماعی که تشریح شد با اگرها و چراها مختلفی روبرو می‌شوند از جمله اینکه چرا هر چه تلاش می‌کنند، پیشرفت نمی‌کنند؟ چرا فلانی کاری نکرد و الان داره پول پارو میکنه ولی اون نه؟ چرا فرزندان مقامات در رفاه هستن و ملت روز به روز فقیرتر می‌شوند؟ و تمام این سوالات به همراه عدم تحقق مطالبات‌شان، به خستگی جسمی و روحی مضاعفی در شهروندان می‌انجامد. با تلاش کردن و عدم تحقق مطالبات اقتصادی شاهد شکل‌گیری، تجمع و تورم موجی از احساسات و عواطف منفی در شهروندان خواهیم بود که سلامت روان آن‌ها را به عنوان عضوی از جامعه تهدید می‌کند.

مدل پارادایمی

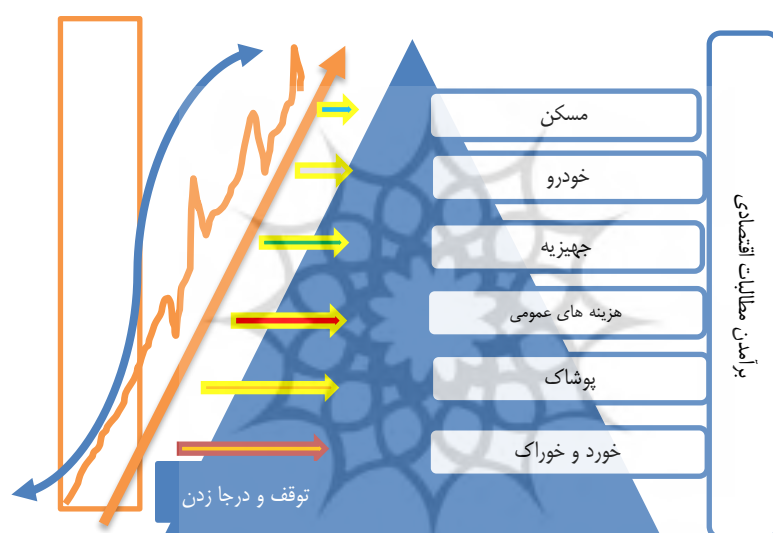
با نظر به یافته‌های پژوهش، مدل پارادایمی برآمدن مطالبات اقتصادی در شکل شماره ۱، ارائه شده است:



شکل شماره ۱- مدل پارادایمی برآمدن مطالبات اقتصادی
منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناخت مطالبات اقتصادی و وضعیت مطالبه‌گری دو نسل مختلفی که در معرض تجربیات مختلفی بوده‌اند، انجام شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای در شهر یزد به عنوان شهری که به «قنات و قنوت و قناعت» مشهور است؛ انجام گرفته است. کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، پدیده «برآمدن مطالبات اقتصادی» را بازنمایی می‌کند. نتایج در قالب مدل تجربی به صورت انتزاعی‌تری بر ساخت شده است که در شکل شماره ۲ ارائه شده است:



شکل شماره ۲: نظریه تجربی^۱ پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌ها و نظریه تجربی پژوهش می‌توان در پاسخ به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «مطالبات اقتصادی زنان یزد چیست؟» طبیفی از مطالبات اقتصادی و حتی مطالبات اقتصادی سیاسی شده را نام برد. در ذیل پیوستاری از مطالبات اقتصادی زنان یزدی مطرح شده است:

زنان یزدی در ابتدا خواستار برآورده‌سازی مطالبات اقتصادی اولیه ملت بودند، مطالباتی اعم از ارزان شدن خوراک، پوشاک، مسکن، اجاره‌بها، افزایش حقوق و پرداخت به موقع و نقدی آن به سرپرستان خانوار. درواقع زنان یزدی مطالبات اقتصادی آرمانی نداشتند و خواستار یک سبک زندگی عادی و رفع دغدغه‌های اقتصادی اولیه‌شان بودند.

1. Substantive

از دیگر مطالبات اقتصادی که پیش‌نیاز تحقق مطالبات اولیه نیز محسوب می‌شود، کنترل تورم و رکود اقتصادی و ایجاد ثبات اقتصادی بوده است که از خلال مفاهیمی چون تسهیل شرایط اقتصادی، کاهش گرانی، کاهش قیمت خودرو، افزایش قدرت خرید، ارزان‌تر شدن جهیزیه با کیفیت و ترجیحا خارجی، ارزان‌تر شدن مسکن و کاهش اجاره‌بها، تسهیل شرایط مادی تحصیلات دانشگاهی و نظایر این‌ها نیز بازنمایی شده است.

تسهیل شرایط ساخت مسکن و تسهیل شرایط ازدواج نیز از دیگر مطالبات زنان یزدی بوده است. بویژه اینکه در شهر یزد به لحاظ بافت سنتی حاکم و نقش پررنگ آداب و رسوم، خانواده دختر موظف به خرید جهیزیه فراوان و لوکس برای دختران و حتی خرید خلعتی (اغلب طلا و پوشاک به عنوان هدیه) برای خانواده پسر هستند. از طرفی پسر نیز موظف به داشتن خانه، ماشین یا توانایی برای فراهم سازی آن در آینده و برگزاری جشن عروسی مجلل و نظایر این‌ها بوده است. البته لازم به ذکر است تمام این موارد بسته به طرفین و وضعیت اقتصادی آن‌ها در پیوستاری از شدت و ضعف قرار می‌گیرد. ولی اغلب ضعف در هر یک از این موارد، به لحاظ روانی و جسمی و اجتماعی فشار زیادی بر خانواده‌ها و جوانان تحمیل ساخته است.

از دیگر مطالبات اقتصادی زنان که می‌تواند به کاهش دغدغه‌های اقتصادی خانواده‌ها نیز کمک کند، اعطای تسهیلات، کاهش نرخ سود تسهیلات و افزایش زمان برای بازپرداخت وام‌های بانکی و تسهیل شرایط اخذ آن بوده است. اینکه به جای بوروکراسی اداری، زمانبر و شرایط سخت ضمانت، حساب بانکی و سابقه بانکی فرد هم ملاک معتبری محسوب شود که افراد هم راحت‌تر وام بگیرند و هم فردی که پول سپرده در بانک ندارد، بواسطه سابقه خوب مثل عدم چک برگشتی بتواند وام بگیرد. به‌طور کلی شرایط اخذ و بازپرداخت تمامی وام‌ها چه برای ساخت و خرید خانه، چه برای ادامه تحصیلات، چه برای خرید کالا و جهیزیه و ازدواج تسهیل شود.

اما برخی مطالبات اقتصادی زنان با مطالبات سیاسی و حتی اجتماعی پیوند خورده بود، به عنوان مثال خودپرست نبودن مسئولین، تلاش ویژه مسئولین برای بهبود شرایط اقتصادی، عدم وجود فساد، برقراری عدالت، ایجاد برابری، عدم وجود تبعیض بین شهروندان و عدم وجود تبعیض جنسیتی. درواقع می‌توان گفت با توجه به اینکه تحقق این مطالبات اقتصادی به نهاد سیاست ارجاع داده شده و دولت مرجعی برای تحقق این مطالبات تعریف شده است، مطالبات اقتصادی با سیاست و جامعه درهم تنیده هستند و رابطه دیالکتیکی بین آن‌ها و تمام مطالبات اقتصادی مطرح شده وجود دارد. به این معنا که تحقق هر یک از این مطالبات در گرو تحقق مطالبات دیگری است. به عنوان مثال با ایجاد ثبات اقتصادی و کاهش تورم، بسیاری از مطالبات اولیه برآورده خواهد شد.

براساس نظریه تجربی پژوهش می‌توان گفت مطالبات اقتصادی براساس سرمایه‌های اقتصادی شهروندان و دغدغه‌ها و نیازهای اقتصادی آن‌ها می‌تواند در هر یک از این سطوح قرار گرفته یا مجموعه‌ای از این مطالبات را همزمان در برگیرد. اما افراد برای برآوردن مطالبات اقتصادی خود راهبردهای مختلفی را به کار گرفته و در نتیجه مسیر و پیامدهای مختلفی را تجربه خواهند کرد. برخی در رسیدن به مطالبات‌شان مسیر هموارتری و برخی فراز و نشیب بیشتری را تجربه می‌کنند. با توجه به بسترهای اقتصادی و سیاسی حاکم راهبردهایی که انتخاب می‌شود گاهی به توقف و درجا زدن، گاهی به تحقق مطالبات و صعود و برخی به انباشت مطالبات و حتی سقوط منجر خواهد شد. کنش‌های معطوف به خود چون تلاش مضاعف یا کنش‌های معطوف به دیگری مثل استفاده از رانت برای دریافت تسهیلات بانکی-حمایتی یا مطالبه میراث می‌تواند مسیر تحقق مطالبات را تسهیل نماید و یا گریز از مطالبه‌گری ممکن است به توقف یا درجا زدن بر روی مطالباتی منجر شود که با گذشت زمان نیز تحقق آن ممکن نباشد یا تحقق آن به طول انجامد.

اما مهم‌تر از همه مطالبه‌گری اقتصادی با راهبردهایی چون گریه و قهر می‌تواند تحقق مطالبات را در کوتاه‌مدت ممکن سازد، ولی در بلندمدت چنین راهبرد عاطفه‌محوری که عموماً توسط زنان و کودکان به کار می‌رود، چندان مفید نخواهد بود. اما در سطح اجتماعی و کلان‌تر، راهبردهایی چون رویگردانی از مشارکت سیاسی یا دینی، نافرمانی مدنی، شرکت در تجمعات و نظایر این‌ها مانند شمشیر دو لبه‌ای عمل می‌کند که گاهی ممکن است با واداشتن مسئولین، شرایط را برای تحقق مطالبات هموار سازد، ولی اغلب کنشی است منفعلانه که در تحقق مطالبات در بلندمدت چندان موثر به نظر نمی‌رسد؛ چراکه به سرعت فراموش می‌شود. کمالینکه گاهی نه‌تنها به تحقق مطالبات نمی‌انجامد، بلکه ممکن است با اعمال هزینه‌های مالی و جانی برای مطالبه‌گران، انباشت مطالبات و حتی سقوط اقتصادی را نیز به همراه داشته باشد.

نتایج این پژوهش همسو با پژوهش‌های صالحی و همکاران (۱۴۰۱)، عطایی آشتیانی و اسکندری (۱۴۰۰)، میرحسینی و همکاران (۱۳۹۸) فراوانی مطالبات اقتصادی بانوان از جمله حق مسکن، وام‌سازی اثربخش و نظایر این‌ها را یادآور می‌شود. البته لازم به ذکر است که مطالبات اقتصادی بانوان با توجه به شرایط اقتصادی موجود بیشتر بر نیازهای ضروری و اولیه برای برخورداری از یک زندگی معمولی تأکید دارد. به عبارت بهتر همان حقوق اقتصادی که در منشور حقوق شهروندی هم بدان اشاره شده است، مطالبه می‌شود. ولی برخی افراد بویژه بانوان سرپرست خانوار و کم درآمد حتی با مشغله‌های بیشتری مثل تامین خوراک و پوشاک و دارو، تهیه جهیزیه، هزینه‌های دانشگاه و نظایر این‌ها نیز مواجه هستند. کمالینکه در شهر یزد بسترهای فرهنگی و سنتی حاکم بر شدت این دغدغه‌های اقتصادی دامن زده است.

لذا افراد برای برآورده‌سازی چنین مطالباتی، راهبردهای مختلفی در پیش می‌گیرند اعم از قناعت و تلاش مضاعف که راهبردهایی است که بیشتر معطوف به خود فرد است. راهبردهای دیگر می‌تواند معطوف به دیگری باشد به این معنا که فرد انتخاب می‌کند برای برآوردن مطالبات خود از تسهیلات بانکی، حمایتی دولت، میراث استفاده کند که ممکن است در تحقق مطالباتش موفق شود و نیازش برآورده شود و احساسات مثبتی را نسبت به خود، جامعه و حتی ساختارهای ذی‌ربط تجربه کند. اما ممکن است توفیقی در مطالبه‌گری به دست نیامورد و انواع آسیب‌های اجتماعی، سیاسی-اعتقادی و روانی را تجربه کند. اما گاهی راهبردهای معطوف به دیگری با وسایل و راه‌های نادرست و نابه‌هنگار انجام می‌شود نظیر استفاده از رانت برای دریافت وام خارج از نوبت و یا استفاده از دروغ برای برخورداری از حمایت‌های دولتی تا دزدی و نظایر این‌ها را می‌توان نام برد.

بنابراین، همسو با پژوهش شبانی (۱۳۹۹) نهادینه شدن مطالبه‌گری و توفیق در آن، پیامدهای مثبتی در سطح خرد و کلان به همراه دارد، از جمله با کاهش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نظیر رانت، اختلاس، دزدی، فساد و غیره، مسیر پیشرفت و توسعه نیز هموار خواهد شد. از آن طرف همسو با پژوهش اویدمی (۲۰۱۵) مشاهده نابرابری‌ها به نفع طبقه حاکم و عدم تحقق مطالبات می‌تواند مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان را تحت تاثیر قرار دهد.

اما برخی افراد بنابر دلایل گوناگون اعم از فقدان روحیه مطالبه‌گری، بی‌فایده دانستن مطالبه‌گری و یا عدم حوصله برای مطالبه‌گری، احترام به مخاطبین مطالبه و داشتن روحیه از خودگذشتگی از مطالبه‌گری فرار می‌کنند و به جای آن حاضرند از مطالبات خود بگذرند. گاهی نیز به جای مطالبه‌گری از دیگران و ساختارهای ذی‌ربط، دارایی‌های خود را برای حل مشکلات اقتصادی به فروش می‌گذارند و گاهی از این فراتر رفته و به جان خود آسیب می‌زنند، به عنوان مثال خود را مقابل ساختارهای اقتصادی و حمایتی به آتش می‌کشند. همچنین از شرکت در تجمعات اعتراضی حتی تجمعات مسالمت‌آمیز به گرانی نیز اجتناب می‌کنند که علاوه بر دلایل پیشین می‌توان به ترس از رسانه‌ای شدن آشوب‌ها و اعتراضات، به ترس از خوشحالی دشمنان فرضی و آسیب‌پذیر شدن کشور و حتی هزینه‌های شرکت در تجمعات اشاره داشت.

راهبردهای دیگری نیز تحت‌عنوان مطالبه‌گری اقتصادی از سوی برخی شهروندان انجام شده است. کنش‌های مطالبه‌گرانه پیشینی و روحیه مطالبه‌گری و بویژه ناراضیتی از کژکاردهای اقتصادی-سیاسی و کاهش تاب‌آوری اقتصادی شهروندان، در راهبردهایی اعم از مطالبه‌گری اقتصادی عواطف‌محور، مطالبه‌گری اقتصادی با دشنام به بانیان مشکلات مالی، مطالبه‌گری اقتصادی غیرخشونت‌آمیز، شرکت در تجمعات در اعتراض به گرانی، مطالبه‌گری اقتصادی سیاسی شده، رویگردانی از مشارکت سیاسی، مطالبه‌گری کتبی و شفاهی از نهادهای ذی‌ربط، نقش تسهیل‌کننده و تشدیدکننده داشته است.

با نظر به مقوله‌ها می‌توان دریافت که مطالبات اقتصادی به سوی ساختارهای سیاسی و اقتصادی هدایت شده است به عبارت بهتر شهروندان دولت و ساختارهای اقتصادی و حمایتی را مسئول شرایط اقتصادی نابه‌سامان و مطالبات اقتصادی برآمده می‌دانند. لذا با دشنام دادن به بنیان مشکلات مالی از راهبردهای کلامی مطالبه‌گری برای بیان نارضایتی و مطالبات خود سود می‌جویند. برخی شهروندان نیز با شرکت در تجمعات اعتراض به گرانی، نافرمانی مدنی، رویگرانی از مشارکت سیاسی مثل رای دادن، در مقابل خواست قدرت حاکم مقاومت می‌کنند. درواقع می‌توان گفت در مطالبه‌گری نوعی مقاومت و مبارزه از سوی مطالبه‌گران و مخاطبین مطالبه وجود دارد که نوعی برهمکنش بین این‌ها وجود دارد. به این معنا که راهبردهای مقاومت اعم از مسالمت‌آمیز و یا خشونت‌آمیز با یک پاسخ و مبارزه از سوی مخاطبین مطالبات بویژه ساختار سیاسی حاکم همراه است.

حال با توجه به هدایت مطالبات به ساختارهای اقتصادی و سیاسی، با عدم پاسخ اثربخش به مطالبات و برآورده نشدن مطالبات می‌توان شاهد موجی از کاهش دینداری، تضعیف مشروعیت دین و سیاست و نارضایتی سیاسی فراگیر در بین شهروندان بود. بخاطر دخالت دین در سیاست، برخی شهروندان از دین رویگردان می‌شوند بویژه در نسل جوان چنین پیامدی در حال وقوع است. نتایج نشان می‌دهد که حتی والدین نیز در گفتگو با فرزندان دچار تشکیک در دین می‌شوند ولی به رعم تعهد و عادت و جامعه‌پذیری دینی، از رویگردانی از دین ابا دارند و اعتقادات دینی خود را حفظ می‌کنند.

با توجه به آنچه در این پژوهش گذشت می‌توان گفت شهروندان یزدی با توجه به بافت فرهنگی و سنتی حاکم، کمتر به مطالبه‌گری معترضان حتی در نوع مسالمت‌آمیز می‌پردازند و از شرکت در تجمعات خودداری می‌کنند که این مسئله را بیشتر در نسل والدین یزدی می‌توان ردیابی کرد. والدین یزدی به‌رغم نارضایتی و دغدغه‌های اقتصادی فراگیر، به جای مطالبه‌گری اقتصادی، بیشتر کنش‌های اقتصادی معطوف به خود و دیگری را در پیش می‌گیرند و اغلب از مطالبه‌گری اقتصادی فرار می‌کنند. مصادیق چنین راهبردهایی را می‌توان در قناعت، تلاش مضاعف، گذشتن از مطالبات، مطالبه‌گری میراث، و بویژه مطالبه‌گری با دشنام به بنیان مشکلات مالی که اغلب ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم تعریف می‌شود و غر زدن در هنگام خرید و در جمع‌های مختلف و ابراز گله‌مندی مستمر در انواع مکان‌ها ملاحظه کرد.

ولی در نسل جوان یزدی راهبردهای مطالبه‌گری اقتصادی، حالت معترضان و شجاعانه‌تر به خود می‌گیرد که گاهی هزینه‌های جبران‌ناپذیری را نیز برای آن‌ها و خانواده‌شان به دنبال خواهد داشت. در واقع جوانان از شرکت در تجمعات اعتراضی بیم ندارند و با نافرمانی مدنی، بی‌حجابی و سرپیچی از خواست قدرت حاکم، فقدان مشارکت سیاسی و دینی، نارضایتی خود از شرایط

اقتصادی و مطالبات‌شان را بیان می‌کنند. درواقع بواسطه هزینه‌های شرکت در تجمعات، از نافرمانی مدنی و رویگردانی از مشارکت دینی و سیاسی استفاده می‌کنند تا دولت را به پاسخگویی وادار سازند.

کمااینکه با افزایش قدرت دافعه و افزایش تمایل به مهاجرت و فرار نخبگان، کاهش آمار ازدواج و فرزندآوری، کاهش مشارکت سیاسی و مقام دوم شهر یزد در آرای باطله دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز پیامدهای اجتماعی و سیاسی راهبردهای مطالبه‌گری بویژه مطالبه‌گری جوانان یزدی و عدم تحقق مطالبات‌شان خاطرنشان می‌شود. مقوله هسته نیز تحت‌عنوان «تحقق/انباشت مطالبات اقتصادی برآمده» برساخت شده است. این مقوله یکی از انتزاعی‌ترین مقوله‌هایی بود که می‌توانست جریان حاکم بر یافته‌های پژوهش را بازنمایی کند و تمام مقولات را به هم مرتبط سازد. درواقع می‌توان گفت مطالبات برآمده و تمام راهبردهایی که جهت تحقق و مدیریت مطالبات اقتصادی به کار می‌رود، بیشتر نوعی تقلا زدن برای بقا و رفاه حداقلی‌ست، به عنوان مثال یک سقفی برای زیستن، نانی برای خوردن و پولی برای برآوردن نیازهای ضروری فرزندان از عمده مطالبات شهروندان است. بویژه اینکه والدین بیش از اینکه به فکر خود و کهنسالی خود باشند، تمام هم و غم‌شان آینده فرزندان‌شان بوده است. نسل جوان نیز به‌رغم آگاهی بیشتر از حقوق شهروندی و مشاهده و مقایسه کشورهای، مطالبات اقتصادی کمال‌گرایانه‌ای ندارند ولی مطالبات اقتصادی ضروری خود را نیز با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی موجود دور از دسترس تلقی می‌کنند، که همین امر نیز تورم عواطف منفی مثل ناامیدی و درماندگی مطلق را خاطرنشان می‌سازد.

بنابراین توجه ویژه مقامات و سیاست‌گذاری اثربخش در برآورده‌سازی مطالبات جوانان بویژه مطالبات اقتصادی جوانان احساس می‌شود. ادامه چرخه ناسالم مطالبه‌گری- پاسخگویی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای کشور در همه زمینه‌ها به همراه داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود ساختارهای سیاسی و اقتصادی ذی‌ربط با ملت همسو شده و به مطالبات آن‌ها توجه کنند تا شاهد آشتی مجدد ملت-دولت و شکوفایی در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی باشیم.

منابع

- استراوس، ا. و کرین، ج (۱۳۹۵)، *مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- آبروشن، م (۱۳۹۶)، مقاله‌ی مطالبه‌گری اجتماعی به چه معناست؟، *روزنامه ایران*، ۹۶/۰۱/۲۷، شناسه خبر ۲۰۶۳۹۷.

بهرامی، و، نیازی، م. و سهراب‌زاده، م (۱۳۹۸)، بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۱۱، شماره ۳۸، ص ۳۵-۷۴.

بیرانوند، ن (۱۳۹۹)، *بررسی و تحلیل راهکارهای مطالبه‌گری مردم از مسئولین از منظر جامعه‌شناسی با رویکرد بهبود زندگی مردم (مطالعه موردی: شهروندان ۱۸ سال شهروندان شهر خرم‌آباد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی. دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره).

پارسانیا، ح. و یوسفی، ظ (۱۳۹۵)، بررسی انتقادی مقاومت در اندیشه میشل فوکو، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ۷، شماره ۳ و پیاپی ۲۷، ص ۴۷-۷۲.

تابناک، پ (۱۳۹۴)، حرکات تشکیلاتی پایه و اساس مطالبه‌گری اجتماعی، سایت خبری، کد خبر ۲۶۸۷۵.

ترابی، ن (۱۳۹۹)، جامعه‌اندیشکده‌ها، طراحی الگوی مطلوب مطالبه‌گری،

<https://iranthinktanks.com/designing-a-favourite-pattern-of-demand/>

جلیل‌مطلق، ی (۱۴۰۱)، *رابطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی با مطالبه‌گری حقوق شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یاسوج)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

چوپانی، ی (۱۳۸۸)، پدیده جهانی شدن فرهنگ‌ها، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۹، شماره ۳، ص ۱۵۵-۱۷۷.

حریری، ن (۱۳۸۵)، *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. حسن‌نیا، م. و ناظم، ر (۱۳۹۲)، زنان دربار قاجار و مطالبات اقتصادی و اجتماعی با تاکید بر اسناد، *پیام بهارستان*، دوره ۲، شماره ۲۲، ص ۲۲۰-۲۶۳.

ذکایی، م.ح. و پورغلام‌آرانی، ز (۱۳۸۴) خرده فرهنگ ویا مصرف فرهنگی: پژوهشی در بین دختران دانش‌آموز شهر تهران، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۴، ص ۱-۲۶.

زارعیان، م. و اردلانی، ن (۱۳۹۶)، آگاهی زنان از حقوق مدنی، *هفت شهر*، شماره ۵۸ و ۵۷، ص ۱۰۰-۲۸۳.

سردارنیا، خ. و البرزی، ه (۱۴۰۰)، تحلیل اعتراضات صنفی-اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر نظریه سیاست خیابان، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۴۰، ص ۱۰۷-۱۵۰.

<https://doi.org/10.22054/qpps.2021.64113.2938>

سیدمن، ا (۱۳۹۵)، *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی* (ترجمه هادی جلیلی)، چاپ ۶م تهران: نشر نی.

شیانی، م (۱۳۹۹)، شعار انتخاباتی دولت‌های پسا انقلابی ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۶)، *کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب*، مشهد، <https://civilica.com/doc/1131164>

شیانی، م (۱۳۸۱) شهروندی و رفاه اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، سال ۱، شماره ۴، ص ۹-۲۳.

صالحی؛ ر، حضرتی، س. و نوری، ط (۱۴۰۱) واکاوی کیفی مطالبات و نیازهای دختران در حوزه ازدواج، *مجله پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، سال ۱۰، شماره ۱ و پیاپی ۱۸، ص ۳۳۴-۳۰۳.

عاملی، س.ر (۱۳۸۰)، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۸، شماره ۱۸، ص ۱۶۷-۲۰۰.

عطایی‌آشتیانی، ز. و اسکندری، ز (س) (۱۴۰۰)، مطالبات زنان در نکاح نامه‌های دوره قاجار، *نامه انسان‌شناسی*، سال ۱۸، شماره ۳۳، ص ۲۵۷-۲۸۰.

فلیک، ا (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تحقیق کیفی* (ترجمه هادی جلیلی). ویراست سوم، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.

فوکو، م (۱۳۸۹)، *سوژه و قدرت در تئاتر فلسفه*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.

فوکو، م (۱۳۹۰). *باید از جامعه دفاع کرد*، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: رخداد نو.

متقی، ا. و روشنایی، ع (۱۳۹۰)، نقش دولت در توسعه و تحدید گفتمان‌های مطالبات مدنی زنان معاصر ایران، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۴، شماره ۱، ص ۲۵-۳۹.

میرحسینی، ب، آقاجانی مرسا، ح. و حبیب‌پور گتایی، ک (۱۳۹۸)، مطالبات اجتماعی زنان و رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها (مورد مطالعه: زنان شهر قزوین)، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۷، شماره ۱ و پیاپی ۱۳، ص ۷۳-۹۵.

Alston, P. (1982). A third generation of solidarity rights: progressive development or obfuscation of international human rights law? *Netherlands international law review*, 29(3), 307-322.

Kruks-Wisner, G. (2018). *Claiming the state: Active citizenship and social welfare in rural India*. Cambridge University Press.

Nashat, G. (2021). Women in pre-revolutionary Iran: A historical overview. *In Women and revolution in Iran* (pp. 5-35). Routledge.

Oyedemi, T. (2015). Participation, citizenship and internet use among South African youth. *Telematics and Informatics*, 32(1), 11-22.